

بازی مدعیان اصلاحات در دو نقش فلج کردن دولت و متهم کردن نظام!

مدعیان اصلاحات در طول سالیان متمادی گذشته چه در سال‌هایی که نقش اصلی را در چیدمان کابینه و قوه مجریه داشته‌اند...



مدعیان اصلاحات در طول سالیان متمادی گذشته چه در سال‌هایی که نقش اصلی را در چیدمان کابینه و قوه مجریه داشته‌اند و چه روزهایی که دولت اصلاحات بر مصدر امور بودند همواره نقش اپوزیسیون و مطالبه‌گر بازی کرده‌اند، آنان به جای آنکه پاسخگوی مدیریت خود و نتایج آن باشند همیشه نظام اسلامی را در جایگاه متهم نشانده و این گونه القا کرده‌اند عامل نارضایتی مردم نه مدیریت آن‌ها بلکه کسان دیگری بوده‌اند!

در آشوب‌های اخیر که پس از اعتراضات به حق مردمی به برخی مشکلات معیشتی و اقتصادی و به دنبال موج سواری ضد انقلاب صورت گرفت مدعیان اصلاحات بازی دو گانه‌ای را شروع کردند، آنان از سویی چون می‌دانستند روی اصلی اعتراضات و انتقادات به حق مردمی عملکرد آنان است معیشتی بودن اعتراضات مردم و نه ضد انقلاب و آشوبگران را مورد انکار قرار داده و این انتقادات و اعتراضات به وضع بد معیشتی را به منتقدین خود و اصولگرایان منتسب کردند.

با گذشت زمان و روشن شدن موج سواری ضدانقلاب بر روی مطالبات به حق مردمی مدعیان اصلاحات که تا دیروز معیشتی بودن اعتراضات را منکر می‌شدند یک هم زبان پیدا کردند، عده‌ای در خیابان‌ها مساجد، حسینیه‌ها و پرچم کشور را آتش می‌زدند، اموال عمومی را تخریب و به قتل بی‌گناهان و مردم عادی می‌پرداختند و اینان خواستار آن می‌شدند که سخنان مردم شنیده شود و بی‌گناهای که دستگیر شده‌اند آزاد گردند!

این بازی مزورانه دیر زمانی طول نکشید چرا که همگان در حال تماشای صحنه بودند و می‌دانستند که معترضان واقعی که مطالبات معیشتی و اقتصادی دارند چه کسانی هستند و موج سواران چه افراد و گروه‌هایی، مدعیان اصلاحات که بایستی پاسخگوی عملکرد خود در دولت‌های متعدد پس از انقلاب باشند و بگویند در مسئولیت‌هایی که به عهده داشته‌اند برای حل مشکلات مردم چه کرده‌اند این روزها در قامت مطالبه‌گر سولاتی را مطرح می‌کنند که پاسخگوی واقعی این سولات بایستی خود آنان باشند. حافظان امنیت وظیفه خود را انجام دادند شما چه کردید؟!

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد در شماره دیروز خود به قلم یکی از مدعیان اصلاحات سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس را مورد خطاب قرار داده و با اشاره به سخن اخیر این سردار سرافراز که «ای کاش به جای آتش زدن پرچم مرا ده بار آتش می‌زدند» سولاتی را خطاب به ایشان مطرح کرده است.

در بخشی از این یادداشت آمده است: «مسئله مهم‌تر از آتش زدن آن پرچم به سکوت ناظران در برابر این رفتار است که ظاهراً کمتر توجه ما را به خود جلب کرده است. صادقانه و صریح بگویم، اگر می‌توانستم، حتماً دست چنان جوانی را می‌گرفتم و در اولین فرصت او را از زندان رها می‌کردم. این زندان جای کسانی است که عمر خود را در مقام بی‌تدبیری و اتلاف منابع کشور و پرخاشگری به این و آن گذرانده‌اند و اکنون نیز طلبکار می‌شوند.»

درباره این نوشته سولات زیادی را می‌توان از مدعیان پرسید و نکات مهمی را گوشزد کرد، نخست آنکه «سردار سلیمانی» به عنوان حافظان امنیت و ثبات کشور به وظایف خود به خوبی عمل کرده‌اند و امنیت مثال‌زدنی امروز کشور که نظیری برای آن در منطقه و جهان دیده نمی‌شود موبد این عمل به وظیفه سرداران امنیت کشور است حال در مقابل آیا مدیران کشور نیز این گونه بوده‌اند؟!

نگاهی به ترکیب دولت‌های پس از انقلاب بخصوص از دهه هفتاد تاکنون به خوبی نشان می‌دهد که اکثریت دولت‌ها و مدیران اجرایی کشور به مدعیان اصلاحات و یا متحدین این جریان تعلق داشته است، از یکه تازی «کارگزاران» در دولت به اصطلاح «سازندگی» تا مدیریت هشت ساله اصلاح‌طلبان در «دولت اصلاحات» و امروز که مدعیان اصلاحات سهم عمده‌ای از کابینه را به خود اختصاص داده‌اند همه و همه به وجود آورنده این سوال بسیار مهم است که آیا مدیران سی سال گذشته می‌توانند در مسند مطالبه‌گر نشسته و عملکرد خود را به کل نظام تسری دهند؟!

جواب متقن و منطقی آن است که این مدیران بایستی به جای سوال از نظام پاسخ دهند که چه کرده‌اند که امروز معیشت مردم به این سختی می‌گذرد؟ مگر اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی کشور دیروز و امروز

دست آنان نبوده و نیست؟

مدیران دولت سازندگی، اصلاحات و تدبیر و امید همه یا اصلاح‌طلبان بوده‌اند و یا کارگزاران که متحد طبیعی جریان اصلاحات محسوب می‌شوند حال بر اساس نوشته روزنامه زنجیره‌ای اعتماد بایستی به جای آشوبگرانی که پرچم ایران را آتش زده‌اند این مدیران دستگیر و زندانی شوند!

حضور مدعیان اصلاحات در دولت یازدهم و دوازدهم که مستندات علیرغم فریادهای مزورانه نشان‌دهنده سهم عمده آنان در کابینه است دولت را از نظر رسیدگی به امور اقتصادی کشور فلج و دچار حاشیه‌های غیر ضرور و بعضاً مهلک ساخته است، دولت یازدهم و دوازدهم به جای رسیدگی به مشکلات کشور هر روز درگیر حاشیه‌سازی و پاسخ به انتقاداتی است که مدعیان اصلاحات عامل به وجود آورنده این انتقادات بوده‌اند.

اصلاح‌طلبان همواره نشان داده‌اند پاسخگوی وضعیتی که به وجود آورده‌اند نیستند، آنان زمانی که اعتراضات مردمی به وضع بد معیشتی را می‌بینند ابتدا منکر این اعتراضات و یا معیشتی بودن آن می‌شوند؛ در ادامه وقتی که صدای انتقادات به آسمان می‌رسد باز به جای پاسخگویی نظام را متهم می‌سازند و حتی در برخی موارد چنانچه در ماه‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم به جای پاسخ به عملکرد رئیس‌جمهور و دولتی که نقش اساسی در پیروزی آن در انتخابات داشته اند لباس نقد همین دولت را به تن می‌کنند و نسبت به وضع بد اقتصادی گلایه می‌کنند بی‌آنکه بگویند خود مدیران اجرایی همین دولت هستند و خودکرده را تدبیر نیست!